

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۶

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال بیستم، شماره ۷۸، زمستان ۱۴۰۲

تحلیل گفتمان عرفانی شیخ عبدالقادر گیلانی براساس استعاره مفهومی عشق، با تأکید بر دیوان اشعار

آرزو قادری^۱

اکرم کرانی^۲

مسعود دهقان^۳

چکیده

رمزگشایی اسرار نهفته در متون ماندگار، خرد پژوهشگران را به چالش می‌کشد تا با شیوه‌های نوین و پذیرفته شده، این میراث‌های کهن، بازبینی و بررسی شوند. یکی از راه‌های دسترسی به گفتمان غالب در این متون، تحلیل گفتمان از طریق استعاره‌های برجسته و پربسامد در آن است که لایه‌های پنهان تفکر پدیدآورنده اثر را آشکار می‌کند. هدف از پژوهش حاضر، تحلیل گفتمان عرفانی شیخ عبدالقادر گیلانی است که در طول قرن‌ها بر حوادث سیاسی و عقیدتی بخشی از جهان اسلام تأثیرگذار بوده است که براساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین انجام شده است، بدین منظور استعاره پربسامد عشق در دیوان اشعار وی در چهارچوب نظری لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) درباره استعاره بررسی و از الگوی فرایند تشخیص استعاره گروه پراکلیجاز (۲۰۰۷) برای دسته‌بندی استعاره‌ها در سطح توصیف استفاده شد. پژوهش حاضر به صورت کیفی بوده، در عین حال، برای تحلیل داده‌ها در سطح توصیف از روش کمی و آماری از طریق نرم‌افزار SPSS نیز استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که در گفتمان شیخ گیلانی رابطه مطلوب بنده با خداوند، رابطه عاشق و معشوقی است نه عابد و معبودی. او از استعاره‌ها نه برای زیبایی کلام، بلکه عینی‌ساختن پیام خود و به چالش کشیدن عقیده حاکم آن زمان استفاده کرده است. گفتمان وی درویشانه، ساده و بدوی بوده و اصل آن بر پایه تساهل و تسامح است و یکی از دلایل گرایش به طریقت وی، نبودن آداب و اسقاط تشریفات ویژه دست‌وپاگیر بوده است.

کلیدواژه‌ها: استعاره مفهومی، گفتمان انتقادی، عشق، عبدالقادر گیلانی.

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲- استادیار، گروه آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. نویسنده

مسئول: Korani.akram@iauksh.ac.ir

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دامشگاه کردستان، سنندج، ایران.

پیشگفتار

در علم نوپای زبان‌شناسی شناختی، بررسی و تفسیر زبان و تحلیل گفتمان شناختی، از مباحث به‌روز و جذاب ایست که در آن واژه، بار معنای اندکی دارد و کمتر دستگاه شناختی را نشان می‌دهد، بلکه این استعاره مفهومی^۱ است که بار کلمه را به‌دوش می‌کشد و این ظرفیت را دارد که گفتمان پنهان را آشکار سازد، زیرا پدیدآورنده متن، به‌دلایلی آن را واضح و روشن بیان نکرده است. تحلیل گفتمان^۲ از طریق استعاره‌های مفهومی می‌تواند عمیق‌ترین و انتزاعی‌ترین مفاهیم را برای خوانندگان متن، ملموس و قابل تجربه کند، از این‌رو در پژوهش حاضر، سعی بر این است که گفتمان عرفانی شیخ گیلانی بر اساس روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف^۳ و از طریق استعاره پربسامد و کلیدی عشق بر اساس نظریه لیکاف^۴ و جانسون^۵ (۱۹۸۰) در باب استعاره‌های مفهومی تحلیل شود.

بیان مسأله

پژوهش حاضر، گفتمان شیخ گیلانی را مورد بررسی قرار داده است، گفتمانی که بیشتر فرهنگی شفاهی بوده و کمتر مکتوب شده است و با وجود از گذشت ۹۰۰ سال، هنوز در میان قشرهای گوناگون جوامع اسلامی محبوبیت فراوان دارد و پیروان طریقت قادریه در هند، ایران، عراق، ترکیه، سوریه و بخشی از شمال آفریقا پراکنده‌اند و دارای وجوه مشترک عقیدتی و طریقتی می‌باشند. از این‌رو تحلیل گفتمان وی، بر اساس روش‌های علمی استاندارد، می‌تواند به شناسایی اندیشه و رفتار هواداران وی، کمک کند. مهمترین موضوع درباره استعاره‌ها، نتایج و دریافتهایی هست که در پی آن‌ها می‌آید و روی برجسته‌ترین عوامل زندگی، مانند عشق و سیاست، تأثیری گذارد، که ما بر اساس آن‌ها عمل می‌کنیم و برنامه‌های زندگی خود را هدف‌گذاری و اجرا می‌نماییم. (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۱۵۹).

پژوهشگر با طرح این پرسش که: «استعاره مفهومی عشق در دیوان اشعار گیلانی، گفتمان صوفیانه او را چگونه معرفی می‌کند، که در سایه تقدیس طریقت او، عواملی توانسته‌اند به قدرت برسند؟» درصدد است تا با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، به این انگاره پاسخ دهد که: «شیخ گیلانی، با

-
- 1 . conceptual metaphor
 - 2 . discourse analysis
 - 3 . N. Fairclough
 - 4 . G. Lakoff
 - 5 . M. Johnson

تهور و بی‌باکی همانند سایر عرفای ایرانی همچون مولانا، حلاج و شیخ اشراق ایدئولوژی زمان خود را به‌چالش کشیده و سعی کرده که عرفان عاشقانه را جایگزین عبارت‌های زاهدانه کند.

پیشینه پژوهش

مبحث استعاره‌های مفهومی به‌ویژه بررسی واژه «عشق» و اختصاصاً عشق الهی^۱ مبحثی جهانی بوده، همچنین بررسی آراء و عقاید شیخ گیلانی نیز در مطالعات ایرانی و غیرایرانی نمود داشته‌است، طبیعی است که در این زمینه‌ها جداگانه تحقیقات شایانی در داخل و خارج از ایران توسط پژوهشگران انجام شده که به مختصری از آن‌ها در این قسمت اشاره می‌شود:

عبیدی و همکاران (۱۳۹۸) استعاره مفهومی عشق را در آثار نظامی بررسی کرده‌اند. عباسی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان استعاره مفهومی عشق و خوشه‌های معنایی مرتبط با آن در تذکره‌الاولیای عطار، این پژوهش را بر مبنای نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) انجام داد. ولی‌زاده پاشا و همکاران (۱۳۹۷) نیز پژوهشی را با عنوان «مفهوم‌سازی عشق در غزلیات شمس و بررسی ارتباط آن با مضامین قرآنی، از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی در چارچوب نظری لیکاف و جانسون، به‌انجام رساندند.»

در مطالعات غیرایرانی، شانکر^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «عشق معنوی در رومئو و ژولیت اثر شکسپیر»^۳، شکسپیر را یکی از استثنائات ادبیات انگلیسی دانسته که تم‌های^۴ جهانی زندگی انسانی را با عشق، در کارهای خلاق خود گنجانده‌است.

در زمینه پیشینه مطالعات بررسی آراء و گفتمان عبدالقادر گیلانی، فولادی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «انعکاس آموزه‌های تعلیمی شیخ عبدالقادر گیلانی در نکات بیدل دهلوی» جلوه‌ای از تأثیرات بیدل دهلوی در اشعارش را که از شیخ گیلانی و طریقت او الهام گرفته نمایش داده و وجه اشتراکات این دو را بررسی کرده‌اند. همچنین غفاری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش «تحلیل انتقادی مناقب عبدالقادر گیلانی»، گفتمان او را براساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بررسی کرده‌اند. در مطالعات غیرایرانی نیز گورر^۵ (۲۰۱۳) در کتاب خود تحت عنوان: «شیخ عبدالقادر گیلانی، زندگی، آثار و دیدگاه‌ها»^۶ به‌اجمال، گفتمان وی را بررسی کرده و مکتب قادریه را از عناصر اصلی تاریخ علمی و فرهنگی و زندگی اجتماعی مردم ترکیه دانسته‌است. همچنین الخطیر^۷ (۲۰۰۸) نویسنده پاکستانی در

- 1 . divine love
- 2 . D. Shanker
3. W. Shakespear
- 4 . theme
- 5 . D. Gürer
- 6 . Abdolqader Gilani: Hayati, Eserleri, Goruserli.
- 7 . J. Al-Khatir

کتاب خود با عنوان «ذهن پاک»^۱، باورها و اعتقادات شیخ گیلانی را بررسی کرده و به تحلیل گفتمان وی پرداخته، به این نتیجه رسیده است که شیخ گیلانی با زبان استعاری خود، عشق را راهی دشوار بیان کرده که برای گذشتن از آن باید سختی‌های بسیاری را پیمود. وی همچنین زبان عبدالقادر را تأثیرگذار و آن را به مثابه شرابی تلخ می‌داند که در عین حال گوار نیز هست.

مبانی نظری و رویکرد پژوهش

پژوهش کنونی دربرگیرنده روش‌های استاندارد برای یافتن استعاره عشق در دیوان غزلیات شیخ گیلانی و همچنین تحلیل و تفسیر گفتمان عرفانی وی از طریق همین استعاره‌هاست؛ پس از بررسی‌ها و مطالعه روش‌های تحقیق برای تحلیل گفتمان، پژوهشگر به این نتیجه رسید که رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلایف برای این بررسی مناسب است، به دلایلی از جمله اینکه این روش، ایدئولوژی پنهان و نگرش نویسنده متن را در سطوح مختلف آشکار کرده و با بررسی بافت^۲ و زمان و مکان گوینده، می‌توان نگرشی را که وی با شور و احساس بیان کرده و با اعمال قدرت نیز پیوند دارد، با رویکرد مذکور تحلیل نمود. مراحل انجام پژوهش حاضر بدین شرح می‌باشد:

الف: انتخاب استعاره‌های مفهومی براساس الگوی پراگماتیک (۲۰۰۲) و چارچوب نظری لیکاف و جانسون در باب استعاره‌های مفهومی و زیرشمول‌های آن.

ب: انتخاب تمامی ۹۲ غزل از دیوان اشعار شیخ گیلانی و استخراج استعاره‌های مفهومی عشق و بررسی نگاشت‌های آن^۳.

ج: بررسی و تحلیل میزان فراوانی استعاره‌ها و حوزه‌های پربسامد مبدأ برای مفهوم عشق و جدول‌بندی آن به منظور غنی‌تر ساختن سطح توصیف^۴ در رویکرد گفتمانی فرکلایف.

د: تفسیر^۵ و تبیین^۶ گفتمان غالب شعری و مکتب فکری شیخ گیلانی و طریقت وی به منظور پاسخگویی به پرسش و انگاره تحقیق و بیان چگونگی و چرایی گسترش و محبوبیت مکتب قادریه در جهان اسلام.

در زبان‌شناسی شناختی، زبان یک ابزار است که داده‌ها و اطلاعات ذهن را پس از پردازش نشان-می‌دهد. همچنین ساخت‌های زبانی خصوصاً استعاره‌ها، مقوله‌های معناداری هستند که هم گوینده و هم شنونده پیام، آن‌ها را درک می‌کنند (نیلی‌پور، ۱۳۹۸: ۴-۲). پس از چهاردهه از به‌چالش کشیدن تعریف استعاره از سوی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، مفاهیم بنیادین این نظریه همچنان ثابت مانده و راه

-
- 1 . Purification of The Mind
 - 2 . Context
 - 3 . mapping
 - 4 . discription
 - 5 . interpretation
 - 6 . explanation

را برای پژوهش‌های زبانی هموار ساخته است. آنان ادعای می‌کنند که معانی قاموسی^۱ نمی‌توانند ما را به درک مفاهیم انتزاعی برسانند و با آوردن مثال «عشق» یادآور می‌شوند که دغدغه زبان‌شناسان متفاوت از فرهنگ‌نویسان است و آنان در تلاشند که مفاهیم انتزاعی را در قالب تجربیات و فرهنگ و آداب و رسوم خود درک نمایند. استعاره این امکان را برای ما فراهم می‌سازد که قلمروی از تجربه را به واسطه قلمرویی دیگر درک کنیم (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۱۱۸-۱۱۶). با کشف نورون‌های آینه‌ای^۲ در دهه ۱۹۹۰ نظریه استعاره مفهومی اعتبار علمی پیدا کرد و پایه‌های نظریه محکم‌تر شد (افراشی، ۱۳۹۷: ۳-۲).

انواع استعاره‌های مفهومی

الف) استعاره ساختاری

استعاره‌های ساختاری از پیچیده‌ترین استعاره‌های مفهومی هستند؛ چون بر پایه تجربه‌ها و ادراکات اجتماعی و فرهنگی ما شکل می‌گیرند (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۳: ۲۲) در این نوع استعاره‌ها یک مفهوم در چارچوب مفهومی دیگر ساماندهی می‌شود. هر استعاره ساختاری می‌تواند براساس موقعیت و بافت کلام، دارای مجموعه‌ای از استعاره‌های هستی‌شناختی باشد (همان: ۲۱۹).

ب) استعاره‌های جهت‌مند

استعاره‌های جهت‌مندی، اغلب مفاهیم را در جهت‌های بالا، پایین، دور، نزدیک، جلو، پشت سر و ... مفهومی می‌کنند و کارکرد این استعاره‌ها از بدن‌مندی^۳ ما نشأت می‌گیرد. معمولاً مفاهیم مثبت در بالا و مفاهیم منفی در پایین قرار دارند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۱۱۶).

ج) استعاره‌های هستی‌شناختی

در این نوع استعاره‌ها، یک مبنای هستی‌شناسانه و نو برای یک مفهوم ایجاد می‌کنیم و یا با به-کاربردن مواد، ظرف، اشیاء و حالات فیزیکی قابل تجربه و ملموس خود، برای مفهوم‌های دور از ذهن و انتزاعی، آن‌ها را همانندسازی می‌کنیم. (همان: ۲۵). این استعاره‌ها خود به سه زیرشاخه: استعاره ظرف^۴، تشخیص^۵ و پدیده‌ای^۶، تقسیم می‌شوند.

- 1 . dictionary meaning
- 2 . mirror neurons
- 3 . embodiment
- 4 . container metaphor
- 5 . personification
- 6 . existential metaphor

استعاره ظرف

استعاره ظرف، استعاره‌ایست که برای بیان مفاهیم، به آن عمق و سطح می‌بخشیم و از نشانه‌های: به، از و ... استفاده می‌کنیم. ما میدان دید^۱ خود را در قالب ظرف و آنچه را که در درون آن می‌بینیم مفهوم‌سازی می‌کنیم. (همان: ۳۱-۳۰).

استعاره تشخیص

لیکاف و جانسون، بدیهی‌ترین نوع استعاره‌های هستی‌شناختی را «استعاره تشخیص» می‌دانند که به ما این امکان را می‌دهد که گستره وسیعی از تجربیات مربوط به پدیده‌های انتزاعی (غیرانسانی) را در چارچوب مشخصه‌ها، فعالیت‌ها و انگیزه‌های انسانی، درک کنیم (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۳۴).

استعاره مادی یا پدیده‌ای (وجودی)

استعاره‌های هستومند یا مادی، قسمتی از تجربیات ما هستند که به گونه‌ای متمایز، آن‌ها را بیان می‌کنیم. ما می‌توانیم از نظر کمی آن‌ها را بسنجیم، اندازه بگیریم و به دنبال آن استدلال کنیم. ما برای درک مفاهیم^۲، کنش‌ها^۳، فعالیت‌ها^۴ و وضعیت‌ها^۵، از این نوع استعاره‌ها استفاده می‌کنیم (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۳۱).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های پژوهش حاضر به صورت اسنادی و از کل دیوان غزلیات شیخ گیلانی که شامل ۹۲ غزل و ۶۴۵۰ بیت می‌باشد با توجه به دو نسخه یکسان استخراج و ۶۲ مورد استعاره عشق یافت شد. پس از آن حوزه‌های مبدأ استعاری به صورت جدول زیر در یازده حوزه دسته‌بندی شدند:

- 1 . the visual field
- 2 . events
- 3 . actions
- 4 . activities
- 5 . status

جدول شماره (۱) فراوانی حوزه‌های مبدأ استعاره‌های مفهومی عشق در غزلیات شیخ گیلانی

ردیف	مبدأ	فراوانی	مقصد
۱	ویرانگری و نابودکنندگی	۱۴	عشق
۲	جنون و بیماری	۱۲	عشق
۳	مکان	۷	عشق
۴	شراب	۷	عشق
۵	آتش	۵	عشق
۶	انسان	۴	عشق
۷	گیاه	۴	عشق
۸	درد و غم	۴	عشق
۹	خون	۲	عشق
۱۰	غذا	۲	عشق
۱۱	دام	۱	عشق

چنانچه مشهود است، حوزه‌هایی که به‌ظاهر منفی می‌نمایند بیشترین تعداد را دارند که در بخش تفسیر به آن پرداخته خواهد شد. پس از استخراج داده‌ها، آن‌ها طبق الگوی گفتمان انتقادی فرکلاف در سه سطح، توصیف، تفسیر و تبیین می‌شوند. در سطح توصیف ابتدا داده‌های مربوط به استعاره عشق، نگاشت‌ها و حوزه‌های مبدأ مشخص می‌شود سپس هر حوزه جداگانه و مجزا همراه با مثال‌هایی توصیف می‌گردند که در جداول و نمودارها نشان داده می‌شود. به‌جز فراوانی داده‌ها، مسایل دیگری همچون استفاده از افعال حسی، جملات مثبت و منفی، تکرار در سطح واژگان در سطح توصیف، بررسی و تحلیل می‌شوند.

در سطح دوم، یعنی سطح تفسیر، بافت موقعیتی^۱ و رابطه بینامتنیت^۲ و نیز تأثیر متون کهن، به‌ویژه قرآن و سنت و نیز نظرات و آراء استادان پیشکسوت آن زمان بر گفتمان عبدالقادر گیلانی بررسی و تفسیر می‌شوند.

در سطح سوم، با استفاده از داده‌های سطح توصیف، و نیز نتایج به‌دست‌آمده از سطح تفسیر، افق دید شیخ گیلانی و گفتمان قادریه تبیین می‌شود. ابهام و دوپهلوی سخن‌گفتن، یک رویکرد گفتمانی رایج در عرفان آن زمان است که به دلایل مختلفی انجام می‌شده که در سطح تبیین می‌توان لایه‌های زیرین گفتمان را کشف کرد، همچنین روابط قدرت در این ایدئولوژی مشخص می‌گردد و همانگونه که

1 . situational context
2 . intertextuality

فرکلاف تبیین را تلقی گفتمان به‌عنوان بخشی از روند مبارزه اجتماعی در چارچوب روابط قدرت دانسته (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۲۲۲)، عمل می‌شود.

سطح توصیف

همانگونه که در جدول (۱) نشان داده‌شد، مدار استعاره مفهومی در دیوان شیخ گیلانی، حول محور یازده حوزه متنوع می‌گردد که هر کدام با مثال‌هایی ذکر می‌گردد:

۱- عشق جنون و بیماریست

وی در غزلیاتش ۱۲ مورد عشق را جنون و بیماری دانسته و بر آن است که عقل به‌تنهایی در یافتن و پی‌بردن به وجود خداوند به‌عنوان معشوق ناتوان است، باید کمی از عقل فاصله‌گرفت و مجنون شد تا اینکه به معشوق حقیقی رسید. چنانچه می‌گوید:

آن سرو بالا کیست آن کز وصف او لال است زبان

در عشق او دیوانه شد، هم ترک و تاجیک و عرب

با کس نگیرم الفتی، از خلق دارم وحشتی

جویم ز هرکس تهمتی، از دست عشق، از دست عشق

۲- عشق ویران‌گر و نابودکننده است

شیخ گیلانی در دیوان خود ۱۴ مورد عشق را ویرانگر و نابودکننده دانسته که بیشترین حوزه مبدأ به این مهم اختصاص دارد. او برای بیان نابودکنندگی عشق، این مفهوم را به عناصر نابودکننده طبیعی، همچون سیل و زلزله و طوفان تشبیه‌نکرده، بلکه بیشتر حالات عرفانی و پریشان‌حوالی را حوزه مبدأ قرارداده‌است چنانچه در ابیات زیر می‌خوانیم:

هر نیم‌شب چون گلخنی، تا روز سازم مسکنی

چون گلخنی شد این دلم، از دست عشق، از دست عشق

از این سودای عشق آخر، سرت بر بادخواهی داد

سرت چون می‌رود خواجه، چه جای فکر دستار است

۳- عشق مکان است

در اشعار گیلانی، ۷ مورد استعاره «عشق مکان است» یافت شد که مثال‌های زیر از آن جمله‌اند:

جامه جان چاک شد در وادی عشق و هنوز هر طرف صد غار غم بگرفته در دامان مرا
پایه دل در کوی عشقت تابه زانو در گل است همتی دارید با من زانکه کاری مشکل است

در این ابیات هیچگاه عشق مکانی خوش و خرم و همراه با آسایش نیست، بلکه حاوی سختی و دشواری و غم و اندوه می‌باشد.

۴- عشق شراب است

شراب دانستن عشق در ابیات فارسی همواره مرسوم بوده و در شعر عارفان نامی همچون مولانا، عطار و سنایی دیده می‌شود. گیلانی نیز در ۷ مورد عشق را به مثابه شراب و کأس می‌داند، از جمله:

عشق نوشانید ما را بر ملا کاس‌های می و مال دلربا
باز می عشق بسی خورده‌ایم تا چه شود خواجه، سرانجام ما

۵- عشق آتش است

شیخ گیلانی ۵ مورد عشق را آتش دانسته و ویژگی سوزاندگی و نابودکنندگی آن را برجسته ساخته است، نه مفهوم روشنایی و نور آن:

آتش دوزخ بسوزد از حرارت‌های عشق عاشق سوزان کند در دوزخ ار یکدم درنگ
آتش عشق تو را ای دوست نتواند نشانند تا ابد در دل اگر شعله زند نار جحیم

۶- عشق انسان است

گیلانی در غزلیات در ۴ مورد عشق را انسان دانسته و از استعاره شخصیت‌بخشی استفاده کرده است. او در این ابیات، عشق را نه انسانی عادی، بلکه انسانی مقتدر و راهنمایی بدون نقص دانسته که عقل در مقابل او حیران است، چنانچه می‌سراید:

تا عقل مصاحب شد با دل غم و محنت دید هم صحبت عشقش شد، وز جمله غم‌ها راست
شیخ ما عشق است، ما پی در پی او تا ابد بی عصا و خرقه و کجکول و لنگر می‌رویم

با توجه به ابیات ذکرشده، عشق در اینجا پیر و استاد و مرشدی کامل است که می‌تواند ناجی انسان باشد. گرچه از لحاظ کمی تعداد این استعاره‌ها کمتر است اما در این ابیات منظور او بسیار روشن و واضح در قبال عشق الهی بیان‌گردیده و زبان قدرتمند و محکم او را آشکار می‌کند چنانچه می‌گوید:

عشق استادیست کار اندوخته جمله عالم کار از او آموخته

۷- عشق گیاه است

در ۴ مورد گیلانی عشق را گیاه و نبات یا درخت دانسته که باز از استعاره جاندارپنداری استفاده کرده‌است. او در استعاره‌های تشخیص، برخلاف سایر استعاره‌ها از مفاهیم مثبت برای بیان حوزه‌های مبدأ عشق استفاده کرده، مثلاً در ابیات زیر، عشق، درخت یا گیاهی سایه‌افکن و مقتدر است:

سایه عشق است در عالم فتاد مایه عشق است در آدم فتاد
 گه گیاه عشق روید در دلم گه خار غم من به حیرت کاین همه گل چون دمد از دانه‌ای

۸- عشق غذا است

گیلانی در غزلیات خود ۲ بار عشق را غذا و میوه حلال دانسته که انسان از آن تغذیه می‌کند و نشاط و انرژی می‌گیرد:

بحر از عشق است گریان آمده باغ از عشق است، خندان آمده

۹- عشق خون است

دو مورد از استعاره‌های مفهومی در غزلیات عبدالقادر گیلانی «استعاره عشق خون است» می‌باشد. اما نه خون و خونریزی بلکه خونی که در رگ‌وپی انسان رفته و به وی حیات می‌بخشد و چنانچه در ادبیات عامه^۱ مشهور است، خون هرکسی رفتار و سیرت او را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد:

عشق تو به ما بلبل اندر رگ‌وپی رفته آن باده کو آن را پیمانہ تویی یا ما

۱۰- عشق دام است

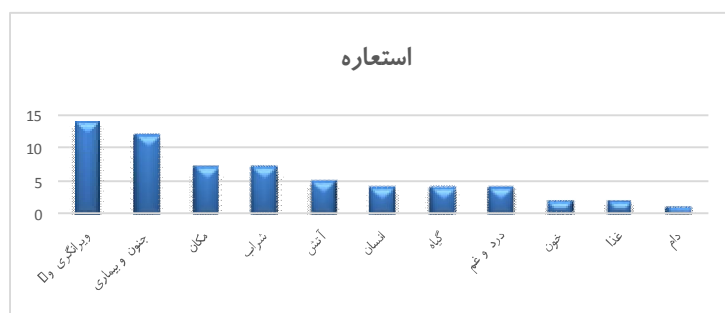
در یک مورد از دیوان گیلانی، استعاره «عشق دام است» یافت شد که عشق به مانند دامی است که عاشق را گرفتار می‌کند، چنانچه می‌گوید:

نه آخر عاشقان باری ز خوبان رحمتی بینند تو هم رحمی بکن با من که در عشقت گرفتارم

۱۱- عشق درد و غم است

در ۴ مورد، گیلانی، عشق را درد و غم دانسته که مثالی از آن در اینجا آورده می‌شود:
گفتا چه پیشه‌داری، گفتم که عشقبازی گفتا که حالت چیست؟ گفتم غم و ملامت

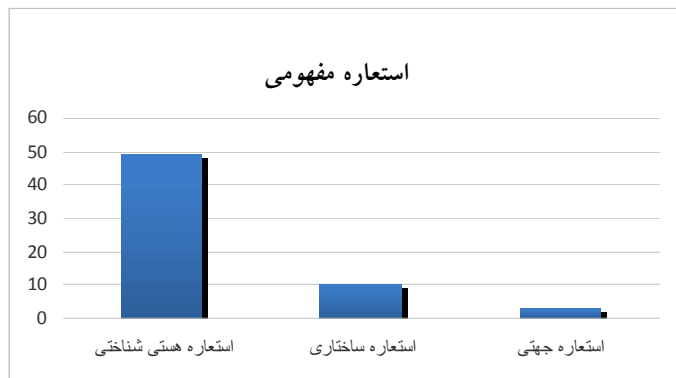
حوزه‌های فراوانی برای استعاره مفهومی عشق در نمودار (۱) نشان داده شده است:



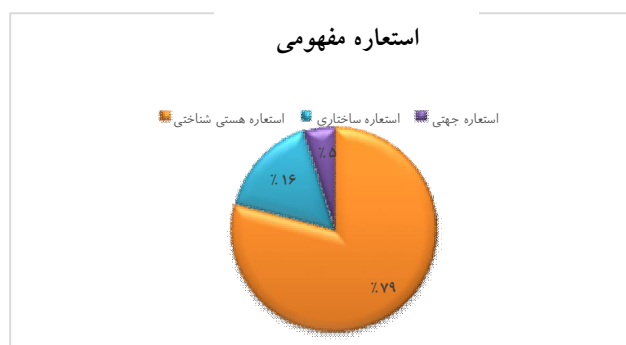
نمودار (۱) فراوانی حوزه‌های مبدأ برای استعاره مفهومی عشق در دیوان غزلیات گیلانی

انواع استعاره‌ها مفهومی عشق

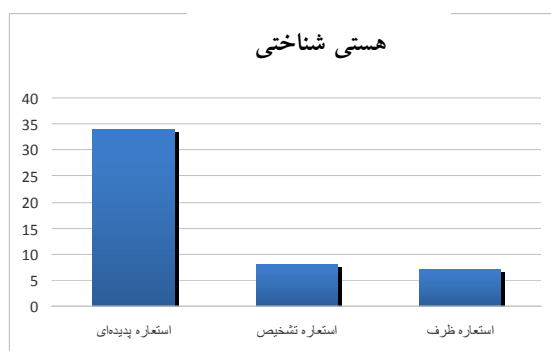
شیخ گیلانی در ۶۲ موردی که از استعاره عشق استفاده کرده ۴۹ مورد استعاره‌های هستی‌شناختی و زیرشمول‌های آن را به کار برده، ۱۰ مورد استعاره ساختاری و ۳ مورد از استعاره جهت‌ی استفاده کرده است که در نمودارهای (۲) و (۳) آمده‌اند:



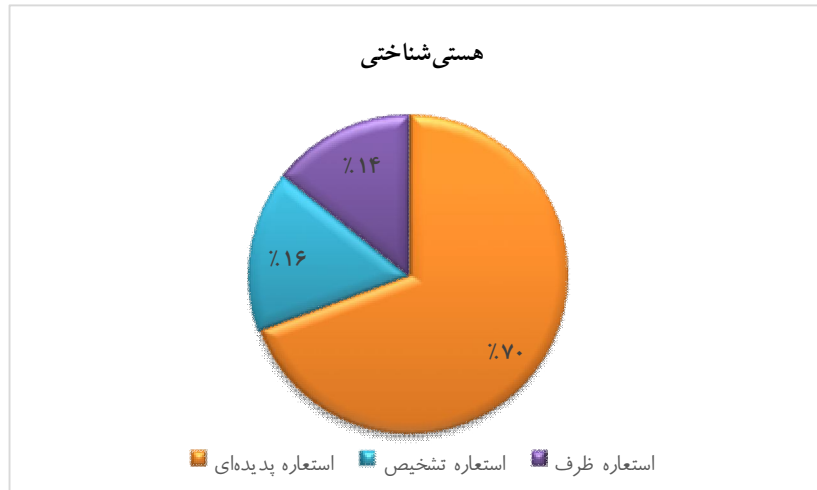
نمودار (۲) فراوانی انواع استعاره مفهومی عشق در دیوان غزلیات گیلانی



نمودار (۳) نمودار درصدی انواع استعاره‌های مفهومی عشق در دیوان غزلیات شیخ گیلانی در میان ۳۴ مورد استعاره پدیده‌ای، ۸ مورد استعاره تشخیص و ۷ مورد نیز استعاره ظرف بودند که در نمودارهای (۴) و (۵) آمده‌اند.



نمودار (۴) فراوانی انواع استعاره‌های مفهومی زیرشاخه استعاره هستی‌شناختی در دیوان شیخ گیلانی



نمودار (۵) درصدی انواع استعاره‌های مفهومی زیرشاخه استعاره هستی‌شناختی در دیوان شیخ گیلانی در استعاره تشخیص که جاندارپنداری نیز نامیده می‌شود، یک مفهوم انتزاعی به مفاهیم انسان، حیوان و گیاه، همانند می‌شود که از ۸ مورد استعاره تشخیص، گیلانی ۴ مورد از استعاره «عشق انسان است» و ۴ مورد، از استعاره «عشق گیاه است» استفاده کرده‌است، او هیچ‌گاه از استعاره «عشق حیوان است» استفاده نکرده‌است و این می‌تواند بدین معنا باشد که مقام عشق هرگز نزد او دون نبوده‌است.

عشق و افعال حسی

عشق واژه‌ای انتزاعی و ملموس است که گیلانی در برخی ابیات خود به وسیله افعال حسی آن را برای مخاطب خاص خود قابل‌تجربه و عینی می‌گرداند. مثال‌های زیر، باز نمود حس‌آمیزی است در قالب استعاره‌های مفهومی که نگاشت میان حوزه‌های شنوایی، بینایی و بویایی، روی داده‌است:

هرکجا شوری که دیدی عشق بین	هرکجا سوری که دیدی عشق بین
گر صدایی بشنوی از عشق دان	ور کسی را بگروی از عشق دان
از دل هر روزه ما بشنود	زمزمه عشق دل‌ارام ما

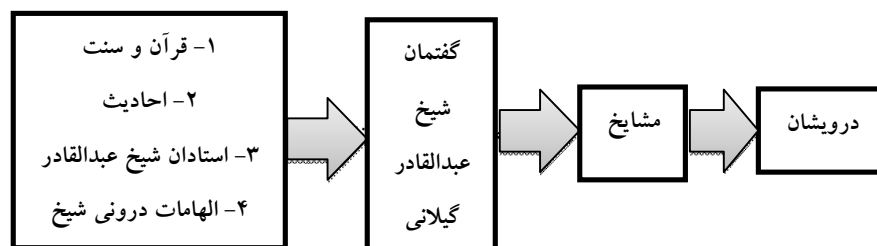
چنانچه مشهود است اندام‌واژه‌های چشم و گوش و بینی، حوزه مبدأ برای درک مفهوم عشق هستند.

سطح تفسیر

فرکلاف، تفسیر را نتیجه ارتباط متقابل و دیالکتیکی سرنخ‌ها و دانش‌های مرتبط با آن زمینه می‌داند. وی از استعاره‌ها به‌عنوان یک مؤلفه پیش‌فرض برای تحلیل متن نام‌می‌برد و دانش زمینه‌ای را که مفسر درباره متن دارد در تفسیر آن دخیل می‌داند (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۱۹۳).

بافت موقعیتی

شیخ گیلانی در اواخر قرن پنجم در بغداد می‌زیسته‌است. در آن زمان گفتمان عرفانی مکتب بغداد به اوج نرسیده‌بود و عوام از آن آگاهی نداشتند. او با خطابه‌ها و گفتمان ساده و درویشانه خود به عبادت‌های بی‌روح و زاهدانه انتقاد کرد و توانست در آن برهه زمانی، پیروان بسیاری را گرد خود جمع کند، اما با مطالعه استعاره‌ها در اشعار او، پژوهشگر به این نتیجه رسیده که تهور و بی‌باکی عارفان پارسی‌گوی دیگر، همچون حلاج، مولانا و سنایی در اشعار وی دیده‌نمی‌شود. زبان او بسیار ساده و نشأت‌گرفته از قرآن و حدیث است و هیچ‌گاه از دایره شریعت فراتر نرفته‌است، اما با این وجود توانسته کمی گفتمان زاهدانه آن زمان را به‌چالش بکشد و طریقتی را با نام خود ابداع کند. عوامل تشکیل‌دهنده گفتمان قادریه در شکل (۱) آمده‌است:



بافت بینامتنیت

در اشعار شیخ، مفاهیمی همچون، خوف و نصر و ریاضت که در متون عرفانی مکتب بغداد رایج بوده به‌چشم‌می‌خورد. وی از واژگانی همچون سماع و فنا که در ادبیات عرفانی فارسی بسیار رایج است، استفاده نکرده‌است. در میان پرندگان وی از هدهد نام نمی‌برد و مدام از بلبل می‌گوید، و این تفاوت‌ها او را به مکتب بغداد پیوند می‌دهد تا عرفان خراسان. از میان متون قدیمی، بیشترین بهره را از قرآن برده و از میان شخصیت‌های عرفانی و استادان بیشتر به جنید، شبلی و بایزید بسطامی ارادت داشته‌است. چنانکه در بیتی می‌سراید:

مجیی با ما دار خود را بی‌ریاضت تا تو را چون جنید و شبلی و بایزید و ذالنون کنم

عشق و تلمیحات قرآنی

گیلانی در غزلیات خود از تلمیحات قرآنی بسیار بهره‌برده و گاهی آن را به اوج می‌رساند. او در بیت زیر عشق را تا حد اعلی برجسته کرده و آن را همه چیز می‌داند:

ظاهر و باطن همه عشق است و عشق اول و آخر همه عشق است و عشق

این بیت اشاره مستقیم به آیه سوم سوره حدید^۱ دارد. وی با سرودن این بیت عشق را به جای «هو» می‌گذارد و خداوند را عشق خطاب می‌کند.

سطح تبیین

ایدئولوژی و قدرت

با توجه به بافت‌های گسترده‌تر از گفتمان، از جمله تاریخ، جهان‌بینی، وابستگی به نهادها و شرایط موجود در جامعه، ایدئولوژی که شیخ گیلانی بنانهاده، نگرشی است که با شور و احساس و اعمال قدرت پیوند دارد. در هند به‌ویژه چون مورد حمایت نهادهای دولتی بوده و شاهزادگانی بنام همچون داراشکوه، از پیروان این مکتب بوده‌اند، قدرت سیاسی نیز داشته‌است، در مناطق وسیعی از کردستان ایران و عراق نیز این طریقت نفوذ سیاسی و مذهبی داشته و یکی از شیوخ قادریه به نام جلال طالبانی، تا ریاست جمهوری کشور عراق پیش‌رفت که حتی وجه نامگذاری وی صبغه طریقتی داشت. در ترکیه خصوصاً در عصر عثمانی هنگامی که سلطان حمید، در جنگ با روس‌ها از شیوخ قادریه مدد جُست که علیه روس‌ها فتوی‌دهند و در اویش را به کمک طلبید، این طریقت دارای قدرت و نفوذ بسیار شد. همچنین در سایر ممالک اسلامی این طریقت همواره صاحب نفوذ و قدرت بوده‌است (توکلی، ۱۳۵۴: ۱۵۵-۱۳۳)

۱- هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

نتیجه گیری

استعاره مفهومی، یکی از پربسامدترین اسلوب‌های زبانی است که در به‌تصویرکشیدن مفاهیم انتزاعی در قالب مفاهیم ملموس در بیان ایدئولوژی و مسائل عرفانی کمک می‌کند. در مکاتب و متون عرفانی، واژه عشق از کلیدی‌ترین و کهن‌ترین مفاهیم بوده که اصطلاحات عرفانی دیگر بر مدار آن می‌چرخند. اهمیت این موضوع، پژوهشگر را بر آن داشت که به بررسی استعاره مفهومی عشق در دیوان اشعار شیخ گیلانی که تنها اثر وی به زبان فارسی است؛ بپردازد. بدین منظور که لایه‌های پنهان گفتمان غالب عرفانی برای علاقمندان به پژوهش‌های میان رشته‌ای زبانی، عرفانی و ادبی، آشکار شود. اهمیت استعاره‌ها در کاربرد واژگان و یا به عبارات نیست، بلکه هر استعاره یک مدل فرهنگی در ذهن ایجاد می‌کند و فرایند تفکر پدیدآورنده اثر را آشکار می‌سازد؛ از این رو پژوهش حاضر براساس نظریه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در باب استعاره صورت گرفته است. به‌علاوه پژوهشگر طی انجام تحقیق، تنها بررسی استعاره‌ها را برای تبیین گفتمان شیخ گیلانی کافی ندانسته و از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین برای روشن ساختن لایه‌های عقیدتی پنهان این طریقت بهره‌برده است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن بود که:

- ۱- نتایج در سطح توصیف، نشان داد که شیخ گیلانی برای به‌چالش کشیدن ایدئولوژی زمان خود از حوزه‌های منفی برای بیان استعاره عشق استفاده کرده و در این میان از استعاره‌های هستی‌شناختی و زیرشاخه آن، یعنی «استعاره پدیده‌ای» بیشترین بهره را برده است.
- ۲- در سطح تفسیر، نتایج حاکی از آن بود که مدار تفکر و شناخت گیلانی حول این محور می‌چرخد که پروردگار حقیقت محض بوده و عبادت مطلوب عبادتی عاشقانه است نه زاهدانه و از روی تزویر همچین با توجه به بافت موقعیتی آن زمان، گفتمان شیخ گیلانی، گفتمانی ساده و درویشانه و متمایل به مکتب بغدادی می‌باشد. وی بسیار پایبند شریعت بوده و زبان او به تندی زبان عرفای نامدار فارسی و سبک خراسان، نیست.
- ۳- در سطح تبیین، نتایج حاکی از آن بود که به‌دلیل سادگی و نداشتن آداب و تشریفات خاص، ورود به مکتب قادریه، برای همگان ساده و جذاب بوده و یکی از دلایل گسترش آن در جهان اسلام نیز همین امر بوده است. البته در سایه قدرت باطنی و تقدیس این طریقت، شخصیت‌هایی هم توانسته‌اند به قدرت برسند.

منابع و مأخذ

- ۱) افراشی، آریتا (۱۳۹۷). استعاره و شناخت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۲) توکلی، محمدرئوف (۱۳۵۴). تاریخ تصوف کردستان. تهران: توکلی.
- ۳) عباسی، زهرا (۱۳۹۷). استعاره مفهومی عشق و خوشه‌های معنایی مرتبط با آن در تذکره-الاولیای عطار. پژوهش‌های ادب عرفان (گوهرگویا) س ۱۲، ش ۲. صص ۴۹-۷۱.
- ۴) عبیدی، خُسنیه و رومیانی، بهروز (۱۳۹۸). استعاره مفهومی عشق در آثار نظامی، مجله علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی. ش ۴۱، صص ۲۴-۵۲.
- ۵) غفاری، فرخنده، خیرخواه بزرگی، سعید و زمان احمدی، محمدرضا (۱۳۹۶) تحلیل گفتمان انتقادی مناقب عبدالقادر گیلانی. شبه‌قاره، ش ۷، صص ۲۷-۴۵.
- ۶) فرکلاف، نورمن (۱۹۹۵) ترجمه روح الله قاسمی (۱۳۹۹) تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: اندیشه احسان.
- ۷) فولادی، محمد و پناه، زینب (۱۳۹۹). انعکاس آموزه‌های تعلیمی شیخ عبدالقادر گیلانی در نکات بیدل دهلوی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، س ۱۲، ش ۴۷ صص ۱-۲۸.
- ۸) قرآن کریم (کلام الله). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای (۱۳۵۲). تهران: پیام عدالت.
- ۹) گورر، دلاور (۲۰۱۳). ترجمه داوود وفاپی (۱۳۹۹) شیخ عبدالقادر گیلانی: زندگی، آثار و دیدگاه‌ها. تهران: مولی.
- ۱۰) گیلانی، عبدالقادر (قرن پنجم هجری) دیوان اشعار. گردآورنده: محمود محمدی طالبانی (۱۳۳۴). سندیج: کردستان.
- ۱۱) ----- (قرن پنجم هجری) دیوان اشعار. گردآورنده: عبدالله سراج‌الدینی نقشبندی (۱۳۹۷). سندیج: شیخی.
- ۱۲) نیلی‌پور، رضا (۱۳۹۸). زبان‌شناسی شناختی، دومین انقلاب معرفت‌شناسی در زبان‌شناسی. تهران: هرمس.
- ۱۳) ولی‌زاده پاشا، لایلا، مباشری، محبوبه و پوراابراهیم، شیرین (۱۳۹۷). مفهوم‌سازی عشق در غزلیات شمس و بررسی ارتباط آن با مضامین قرآنی از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی. پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهرگویا) دوره ۱۲، ش ۲، صص ۱-۳۶.

- 14) AL-Khatir, Jilla (2008). Purification of he Mind. Translated by: Shelta Al-Dargazelli Louay Fatoohi. Publisher: Safis Publising. Second Edition, Amazon. Com ASIN: Boogy 5 BYIW.
- 15) Fairclough, N. (1995). Critical Discourse Analysis. The critical Study of Language. London: Longman.
- 16) Lakoff, G and M. Johnson (1980). Metaphors We Live By. Chicago, University of Chicago Press.
- 17) Lakoff, G (1993). Contemporary Theory of Metaphor: In Metaphor and Thought, Cambridge University Press.
- 18) Pragglez Group (2007). A Method for Identifying Metaphorically used words in Discourses. Vrije Universities in America. PhD, BOX 7161. 1007 MC. Amsterdam. The Netherland 22 (1): 1-39.
- 19) Shanker Dhruv (2021). Stream of Spiritual Love in William Shakespear's Romeo and Juliet. Journal of English Language and Literature (RJELAL). Vol (9) Issue (4).

The Analysis of Sheikh Gilāni's Mystical Discourse Based on Conceptual Metaphor of Love in His Lyrics

Arezu Ghaderi, Akram Korani*, Masud Dehghan
PhD Student, Linguistics, Kermanshah Branch, Islamic Azad University,
Kermanshah, Iran

Assistant Professor, Department of Teaching English Foreign Language and
Linguistics, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. *

Corresponding Author, Korani.akram@iauksh.ac.ir
Associate Professor, Department of English Language and Literature, University
of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Abstract

Decoding of hidden meanings in pristine texts is a challenge for researchers to develop new and acceptable methods for dissecting and extrapolating the concealed messages in these written heritage texts. One of the most effective methods to accomplish this arduous task is analyzing discourse via studying conceptual metaphors that reveal the Author's thought process. The aim of the present research is to clarify Abdul Qadir Gilāni's mystic discourse that was dominant in Islamic world for centuries, and its analysis through Fairclough's discourse analysis approach in three steps: Description, interpretation and explanation. In this project, "Love" Metaphor has been studied by the researcher which is the foreground and frequent in his lyrics, through Lakoff and Johnson's theory that interprets conceptual metaphors as a character of human thought. Through utilizing SPSS software, metaphor identification procedure of Pragglejaz group (2007) has been used to identifying and categorizing different kind of metaphors. The results demonstrate that in Gilāni's discourse, the relationship between a human being and God, should not be characterized as the relationship between an idolater and an idol but rather as a genuine relationship between the lover and the loved. His use of metaphors is not intended to beautify and emblazon his words but rather to enhance the objectivity and accuracy of his message. The discourse of Gilāni is mystic, simple and antediluvian and it is instituted on facility and laxity and one of the inclinations is the lack of awkward ritual for entering the Tarighat.

.Keywords: Conceptual metaphors, discourse analysis, love, Abdul Qadir Gilāni

